



20 جولای 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

## بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران (بخش هشتم)

مبحث ششم

### خشک سالی و آغاز مذاکرات بین دولتین در سال 1315ش

یکی از خصوصیات بارز دریای هلمند آنست که در قسمت علیای خود بسیار پرشور و غوغا است و هر قدر از نشیب ها بسوی همواری ها می رود آرام و بی صدا میشود و بر بستر آن افزوده میگردد. شور و غوغای این دریا در سالهای پربرف و باران بیشتر میگردد که پس از عبور از دشتهای در انتهای خود سیلاب های مدهش می آفریند و زمین های اطراف را سیل آسا زیر آب میکند و خسارات وافر بار می آورد. برعکس در سالهای خشکی حتی آب آن در قسمت های سفلی در جوار سرحد بین افغانستان و ایران چنان کم میشود که بیشتر شباهت به جویبار پیدا میکند و زمین های دوطرف را سخت به کمبود آب مواجه میسازد. ارقام منتشره در (فقره 96 - صفحه 41 تا 43) راپور "کمسیون بیطرف دلتای هلمند" که بعداً درباره آن بیشتر صحبت خواهد شد، حاکی از آنست که سال 1310ش (1931م) سال سیلاب های بزرگ بود و سال بعد، سال عادی (نورمال) و بین سالهای 1312 تا 1314 (1933 تا 1935م) آب در بند کمال خان به وفرت به 2120 فوت مکعب فی ثانیه (60 متر مکعب در ثانیه) جریان داشت، در حالیکه در سال 1315 (1936م) نظر به خشکسالی مقدار آب در بند کمال خان بتاريخ 19 سپتمبر به اندازه 267 فوت مکعب در ثانیه و بتاريخ 16 اکتوبر به پائینترین سطح یعنی 55 فوت مکعب فی ثانیه تقلیل پیدا کرد. این وضع موجب شد تا معضله تقسیم آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران بنابر خواست ایران بار دیگر مطرح شود و هیئت های طرفین با روحیه فصل ششم قرارداد ودادیه و تأمینیه منعقد بین دولتین ایران افغانستان (6 قوس 1306ش) در زمینه باهم به مذاکره بپردازند و یک راه حل را در تقسیم آب دریای هلمند بین دو کشور جستجو نمایند.

برطبق پروتوکل ماه سنبله 1315ش هیئت های دوطرف در کابل موافقه کردند تا مقدار آب رود هلمند را که به بند کمال خان میرسد، از آن بند تا بند "لخشک" بالمناصفه بین رعایای چخانسور افغانی و رعایای سیستان ایرانی تقسیم نمایند و هر یک از طرفین مذاکره حق دارند که سهم خود را در خاک خود، در هر جا که مورد احتیاج باشد، ببرند. در ماه میزان سال 1316 نمایندگان هر دو کشور در بند "کهک" حضور بهم رسانیده و پس از آنکه مقدار آب را در آنجا اندازه و تعیین کردند، بر مفاد پروتوکل سال گذشته مبنی بر تقسیم بالمناصفه آب از بند کمال خان تا بند لخشک توافق نمودند و به تأسی از آن برای عقد قرارداد تقسیم آب هلمند به مذاکرات مزید پرداختند که در نتیجه روی متن ذیل موافقه صورت گرفت و قرارداد بوسیله نمایندگان ذیصلاح هر دو دولت (از طرف افغانستان علی محمد خان

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

وزیر امور خارجه و از طرف ایران باقر کاظمی سفیر کبیر آن کشور در کابل) بتاريخ 8 دلو 1317 ش جمعاً در 16 ماده و یک اعلامیه منضمه در کابل به امضاء رسید، از اینقرار:

### قرارداد تقسیم آب هیرمند بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی افغانستان

(منعقد 8 دلو 1317 ش - مطابق 27 جنوری 1939 م)

**ماده اول:** دولتین افغانستان و ایران موافقت مینمایند که همه ساله هر مقدار آب رودخانه هیرمند که به بندر کمال خان میرسد، بین افغانستان و ایران از بندکمال خان به بعد بالمناصفه تقسیم شود.

**ماده دوم:** برای آنکه از ده چاربرجک الی بندکمال خان، زاید بر مقدار آبی که فعلاً برده میشود مصرف نگردد، دولت افغانستان تعهد میکند که در فاصله مزبور علاوه بر انهار که جاری بوده و هست، نهر دیگری احداث و حتی تعمیر نماید.

**ماده سوم:** مامورین و میرآبهای مجاز طرفین متفقاً همه ساله در فصل پائیز مقدار آبی را که در بندکمال خان میرسد، تعیین میکنند و از بندکمال خان تا سیخ سر مقدار آبی که هریک از طرفین بوسیله انهار منشعبه از هیرمند می برند، معلوم مینمایند و در سهم طرفین محسوب میدارند، به قسمی که این دو سهم مساوی باشد. صورت تقسیمات و اسامی انهار و مقدار آب هریک از انهار طرفین را پس از تشخیص به یکدیگر ابلاغ خواهند نمود. اگر بعد از این تغییری در صورتهای مزبور لازم شود که بخواهند در یک جا اضافه و در عوض جای دیگر کسر کنند، به یکدیگر اطلاع خواهند داد.

**ماده چهارم:** دستگاه ها و ادوات لازمه برای تعیین مقدار آب رودخانه و انهار طرفین را مامورین فنی افغانستان و ایران به خرج دولتین بالمناصفه تهیه کرده، در محل مناسب از بندکمال خان به بعد نصب نموده و در صورت لزوم مجرای رودخانه را نیز از بند کهک الی سیخ سر تنظیم مینمایند.

**ماده پنجم:** برای اینکه تقسیم و تنظیم آب رودخانه هلمند از بندر کمال خان به وجه عادلانه که منظور این قرارداد است، صورت گیرد، مامورین فنی طرفین در نقاطی که مناسب بدانند در خاکهای خود مُقسِم های دائمی خواهند ساخت و مخارج ساختن این مقسم ها را طرفین متعاهدین بعد از حصول توافق نظر یکدیگر در طرح آن به تناسب مقدار آبی که می برند، عهده دار خواهند شد.

**ماده ششم:** تا ساختن سد و بند های دائمی، بندهای گزی بقرار سابق ساخته خواهد شد و اگر طرفین برای بستن بند ها به چوب گز ضرورت داشته باشند، به تادیه قیمت به یکدیگر خواهند داد.

**ماده هفتم:** چون دهنه نهرهای که مستقیماً از رودخانه هلمند از بندکمال خان منشعب شده و به خاک طرفین جاری میشود، خاکی میباشد، برای اینکه زیان و نقصانی در حصه هریک از طرفین پیدا نشود، دولتین متعهد میشوند که از تاریخ امضای این قرارداد، منتهی تا چار سال به مرور آن دهنه را با آجر و آهک [خشت پخته و چونه] هریک به خرج خود به ترتیب صحیحی بسازند.

**ماده هشتم:** دولتین متعهد میشوند که هیچگونه اقدامات و عملیات از بند کمال خان تا به ده دوست محمدخان و سیخ سر که مقسم آخرین است، نخواهند کرد که موجب نقصان یا نکث میزان سهم هریک از طرفین بشود.

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

**ماده نهم:** دولتین افغانستان و ایران متقابلاً موافقت مینمایند که مامورین فنی و میرآبهای که مامور اجرای عملیات مندرجه در این قرارداد هستند، و همچنین عملیات مامور بستن و ساختن و پاک کردن و تنظیم بندها و انهار بین کهک الی سیخ سر که اقدام به آن به موجب این قرارداد در خاک طرف مقابل مجاز شمرده شده باشد، بدون اسلحه، بدون اسلحه، میتوانند باجواز به خاک یکدیگر بروند.

تبصره - مصالح و ادوات و اشیایی که مامورین و عمله برای انجام وظایف مندرجه در این قرارداد لازم دارند، تا برای رفع حوایج زندگی خود در موقع خروج از سرحد همراه خود می برند، از حقوق گمرکی معاف خواهند بود.

**ماده دهم:** در صورتیکه رودخانه هلمند بالای بند کمال خان به بستر جدید منتقل شود، مدلول ماده اول، در محل دیگر که به منزله بندکمال خان در علاقه چخانسور فعلی باشد، با موافقت دولتین اجرا و تعیین مقسم خواهد شد؛ چنانچه پائینتر از بندکمال خان، به بستر جدید منتقل و یا بستر فعلی طوری عمیق شود که برای اراضی سیستان آبیاری ممکن نشود، دولتین موافقت میکنند که در اینصورت برای استفاده اراضی سیستان از سهمیه آبی که در ماده اول معین شده است، به رضائیت طرفین تحت شرایط جداگانه قراردادی بدهند.

**ماده یازدهم:** هرگونه اختلافی در اجرای مقررات این قرارداد رخ دهد که میرآبها و متصدیان امر از حل آن عاجز و یا از حدود اختیارات آنها خارج باشد، به مرجعیت حاکم و رئیس مالیه چخانسور از طرف دولت افغانستان و حاکم و رئیس مالیه سیستان از طرف دولت ایران یا نمایندگان آنها تصفیه خواهد شد و رأی که این هیئت به اتفاق اتخاذ نمایند، قاطع خواهد بود؛ چنانچه موضوع مختلف فیه به اینطریق تا دوماه از تاریخ بروز اختلاف حل نگردد، بین مراکز طرفین به اسرع اوقات بطور قطع حل و تسویه خواهد گردید.

**ماده دوازدهم:** طرفین متعاهدین تعهد مینمایند که هرگاه اتباع یکی از آنها طریقه استفاده از آب رودخانه هیرمند را از بندکمال خان که در این قرارداد مندرج است، بهم بزند یا از مقررات آن تخلف نمایند، فوراً در خاک خود اقدامات لازمه را برای رفع آن بعمل آورده مقصرین را به مجازات قانونی برسانند.

**ماده سیزدهم:** طرفین متعاهدین در ظرف دوماه از روز امضای این قرارداد ترتیب استفاده از آب هلمند از بندکمال خان و سهم خود را در خاک خود به اطلاع ماموریت سرحدی و اهالی و ساکنین اطراف رودخانه خواهند رسانید.

**ماده چاردهم:** هر یک از طرفین متعاهدین هرچه زودتر پس از امضای این قرارداد مامورین برای مراجعات و نظارت در اجرای مواد این قرارداد را تعیین و کتباً بطرف مقابل معرفی خواهند نمود.

**ماده پانزدهم:** این قرارداد در ظرف سه ماه از تاریخ امضای آن به تصدیق مقامات مربوطه دولتین خواهد رسید و نسخ تصدیق شده در کابل مبادله خواهد شد.

**ماده شانزدهم:** این قرارداد پس از مبادله اسناد صحه شده معتبر و مجری است.

کابل - تاریخ هشتم جدی (دی) 1317

سفیرکبیر دولت شاهنشاهی ایران

وزیر امور خارجه دولت پادشاهی افغانستان

باقر کاظمی

علی محمد

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

## اعلامیه

نظر به روابط صمیمانه دوستی و برادری که خوشبختانه بین دولت پادشاهی افغانستان و دولت شاهنشاهی ایران موجود میباشد، در این موقع که قرارداد راجع به تقسیم آب هلمند به امضای نمایندگان مختار طرفین میرسد، برای اینکه هیچ نوع نگرانی و سوء ظنی بین ساکنین چخانسور و سیستان و بالتبع بین حکومت‌های دوطرف باقی نماند و ساکنین طرفین مرز بتوانند با نهایت هم‌رنگی و اعتماد متقابل به دوستی و همکاری یکدیگر اطمینان نمایند، اعلامیه مشترک ذیل را امضاء و ملحق به قرارداد تقسیم آب هلمند مورخه امروز مینمایند:

**اولاً -** دولت پادشاهی افغانستان اعلام میدارد که به هیچوجه مقصودی در تضیق و فشار و نرسیدن آب به سیستان ندارد و به این منظور اقداماتی را که موجب نکث آب سهمی ایران در بندکمال خان (قراریکه در ماده اول قرارداد توضیح یافته) و از این راه ضرر رساندن به زراعت و آبیاری سیستان نشود، اجازه نخواهد داد.

**ثانیاً -** دولت شاهنشاهی ایران اعلام میدارد که یگانه منظور آن از این قرارداد زراعت و آبیاری سیستان است که زارعین از این جهت در مضیقه و زحمت نباشند، هیچ مقصودی در بدست آوردن وسیله و بهانه برای مداخله در داخله افغانستان ندارد و پیوسته ترقی و تعالی افغانستان را آرزومند است.

کابل - تاریخ هشتم جدی (دی) 1317

وزیر امور خارجه دولت پادشاهی افغانستان

سفير كبير دولت شاهنشاهی ایران

علی محمد

باقر کاظمی

(قابل توجه: متن قرارداد را مرحوم غبار در کتاب "افغانستان در مسیر تاریخ"، جلد اول، صفحه 735 تا 737 درج نموده، ولی اعلامیه که یک موضوع مهم و ضمیمه آن قرارداد میباشد، در آن به نشر نرسیده است که یک خلی عمده در آن مبحث پنداشته میشود.)

### شورای ملی افغانستان قرارداد فوق الذکر را رد کرد!

با اینکه مجلس وزراء متشکل از ده وزیر و هریک شخصیت های بسیار نزدیک به صدراعظم پرقدرت کشور سردار محمد هاشم بودند، این قرارداد را تصویب نمودند، اما وقتی برطبق قانون اساسی که باید معاهدات و قرارداد ها با کشورهای خارج از طرف شورای ملی مورد تأیید قرار گیرد، شورای ملی افغانستان به این قرارداد رأی رد داد و این اولین بار بود که شورای مذکور در تقابل با نظر حکومت قرار گرفت. اگرچه شورای ملی از بدو تأسیس همیشه دست نگر و مطیع اراده حکومت، بخصوص صدراعظم وقت بود و اساساً وکلای شورا برطبق نظر حکومت بطور دست چین به مردم معرفی می شدند و رأی مردم در انتخاب آنها فقط یک وجه شکلی داشت، اما دوره سوم شورا با راه یافتن چند وکیل باسواد و چیز فهم یک اندازه از دوره های قبلی فرق داشت و با وجود حلقه تنگ انحصار قدرت توسط حکومت و بخصوص صدراعظم کشور، صدای مخالفت با پیشنهاد حکومت در یک دو موضوع در این دوره بالا گردید.

در کتاب "آئینه شورا"، تألیف محمد محسن صابر هروی، زیر عنوان "قیافه دوره سوم شورای ملی" نکاتی دلچسپ و مهمی جلب توجه میکند که از نظر تاریخی قابل ذکر میباشد و در آن آمده است: «رئیس شورای ملی بازم همان رئیس دوره اول و دوم (عبدالاحد خان وکیل مرکز کابل) بود، ولی

با آمدن اندکی از وکلای فهمیده تر (یک فیصدی غیر قابل توصیف) چهره این دوره نیز کمی عوض گردید و در این دوره بود که باز حکومت مجبور شد توسط رئیس و اعضای اداری بر وکلاء فشار وارد کند تا بعضی لوایح و اصولنامه هایی را که حکومت تسوید و به شورا می فرستد، بدون کم و کاست قبول کند..... در این دوره کم و بیش یک سلسله آزادی ها به وکلاء داده شده بود که اغلب با سوادان و چیزفهمان می توانستند اقلماً درباره بعضی موضوعات حرف بزنند و نظریاتی ابراز نمایند. در دوره سوم شورا بود که وقتی روی مسائل بودجه دولت بحث صورت میگرفت، یکی از وکلاء که از سمت غرب افغانستان بود، با سختی و لجاجت بر بعضی اقلام بودجه انتقاد نمود و در موقع رأی گیری رأی مخالف داد که در نتیجه قراریکه بعد از آن افشاء شد، رئیس شورا (عبدالاحد خان) به توهین و تحقیر او پرداخت و خواست او را به اصطلاح آن زمان شلاق بزند که با مداخله وکلای دیگر آن سمت این کار عملی نشد و وکیل مذکور بعداً به اتهام دست داشتن به یکی از مسائل سیاسی وقتی دوره وکالتش به آخر رسید، محبوس و مدتی زندانی بود و ده ها نایسامانی دیگر که ذکر آن در اینجا سخن را به درازا می کشاند.» مؤلف کتاب در پاورقی همان صفحه درباره شخص رئیس شورا به این نکته اشاره میکند و می نویسد: «عبدالاحد خان [مایار] رئیس شورای ملی که در دوره اول الی پنجم رئیس شورا بود، اصلاً از ولایت وردک کابل بود که از مرکز به اشاره حکومت سردار محمد هاشم خان صدراعظم خود را از کابل کاندید و چون شخص مدیر و طرف اعتماد شاه و صدراعظم بود، در پنج دوره ... ریاست شورا را در اختیار داشت.» (صابر هروی، محمد محسن: "آئینه شوری - از دوره اول تا دوره نهم از سال 1310 تا 1336ش، چاپ ریاست اطلاعات و ارتباط عامه ولسی جرگه، چاپ اول، سال 1386ش، جلد اول، صفحه 107 و 108)

همچنان در کتاب "آئینه شورا" در ذیل عنوان "تصاویر سال 1317" در فقره 12 (صفحه 117) از تصمیم گیری درباره "قرارداد تقسیم آب هیرمند بین حکومت شاهی افغانستان و حکومت شاهنشاهی ایران" ذکر شده که معلوم میشود این قرارداد قبل از آنکه شورای ملی در ماه سنبله همان سال به تعطیل تابستانی برود، به احتمال قوی در ماه سرطان شامل اجندا شده و در نتیجه از طرف شورا به اثر مخالفت وکلاء به دلیل ذکر چند موضوع مندرج یکی دو ماده آن و بخصوص آنچه در نکات اول و دوم اعلامیه منضمه قرارداد آمده بود، رد گردید و با این ترتیب قرارداد از اعتبار قانونی ساقط شد.

در مورد دلایل رد قرارداد و جریانات بعدی آن مطالبی به عین عبارت در دو مأخذ بیان شده است که معلوم نیست متن اصلی مربوط کدام مأخذ میباشد، از اینقرار: «نظر افغانستان این بود که قرارداد بخودی خود واضح و گویا بوده و آنچه که در اعلامیه آمده تکرار مواد اول، دوم و هشتم قرارداد است که چنین تکرار موردی ندارد. در مقابل استدلال ایرانی ها این بود که قرارداد بدون شرایط مندرج در اعلامیه، سندی بی ارزش خواهد بود، چه در آنصورت افغانها میتوانند از بندکمال خان به بالا، بدون هیچ قیدی و بندی از آب هیرمند استفاده کنند. ایران مؤکداً اصرار داشت که چون اعلامیه [منضمه] قرارداد از تصویب شورای ملی ایران گذشته است، باید بدون هیچگونه تغییر و تفسیر از تصویب مقامات مربوط افغانی نیز بگذرد. اما برای رفع نگرانی دولت افغانستان، به هنگام مبادله اسناد تصویب، نامه ای با مضمون زیر توسط وزیر خارجه ایران به سفیر افغانستان تسلیم داده شود: "اطمینان میدهم با مبادله اسناد مصوب قرارداد آب هیرمند و اعلامیه ملحق به آن، استفاده از آب بندکمال خان به بالا با رعایت مواد قرارداد و مخصوصاً ماده دوم آن (به منظور زراعت و آبیاری افغانستان) از نظر دولت ایران مورد اعتراض نخواهد بود."؛ جانب افغانی پیشنهاد نمود که عبارت

(به منظور زراعت و آبیاری افغانستان) به شکل (به منظور توسعه زراعت افغانستان) اصلاح گردد. ایران وارد آوردن چنین تغییر را نپذیرفت.»

در ادامه متن هر دو مأخذ فوق آمده است: «این مذاکرات چندین سال بطول انجامید که به نتیجه نرسید. سرانجام دولت ایران تصمیم گرفت تا این مسئله را در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح سازد، ولی این مسئله دارای اهمیتی که قابل بحث در آن شورا باشد، نبود و به همین علت [ایران] از این کار نیز صرف نظر کرد. رد این قرارداد موجب کشیدگی طولانی در روابط میان ایران و افغانستان گردید و ایرانی ها برخلاف نورمهای قبول شده در روابط دو کشور، بارها خواهان تصویب این قرارداد گردیدند و تا سال 1333ش یعنی مدت شانزده سال از تأکید روی این مسئله دست بردار نبودند. تا آنکه یادداشت ذیل را بتاريخ 8 اسد 1333 وزارت خارجه افغانستان به سفارت ایران فرستاد.» (دیده شود: سیستانی، کتاب "سرگذشت سیستان و رود هیرمند"، صفحه 218 و 219؛ وحید مژده، کتاب "روابط سیاسی افغانستان و ایران در قرن 19"، صفحه 50 و 51)

نکته قابل تعمق آنست که چرا حکومت افغانستان در قدم اول حین تسوید متن قرارداد به نکاتی توجه نکرد که به ضرر افغانستان در آن گنجانیده شده بود. وزیر خارجه آنوقت افغانستان علی محمد خان شخص با تجربه و سخت محافظه کار و نیز در دوران ماموریت های ارشد و مقامات بلند حکومتی در هیچ مورد به تنهایی تصمیم نگرفته بود، بخصوص در وقت صدارت محمد هاشم خان و حتماً هر قدم و هر موضوع مذاکره را با او در میان میگذاشته و طلب هدایت میکرد است. اینکه چرا صدراعظم زیرک افغانستان و حتی سائر اعضای کابینه حین تصویب قرارداد انگشت اعتراض بر متن آن نگذاشتند، سوالیست که نمیتوان به آن جواب دقیق گفت. آنچه واضح میشود، اینست که شاید اعضای حکومت و بخصوص صدراعظم کشور از نقاط ضعف قرارداد که به ضرر افغانستان بود، میدانستند، اما چرا نخست آنرا به نظر اغماض دیدند؟ حتماً مجبوریتی در کار بوده، زیرا سال 1317 (1938م) سالی دشوار بود و جهان در آستانه آغاز جنگ دوم جهانی قرار داشت و افغانستان نیز در آن وقت دچار مشکلات با همسایه های دیگر از جمله با شوروی بود که سفیر افغانستان در مسکو عبدالحسین خان عزیز را شوروی متهم به سازش با دشمنان خود ساخته بود و انگلیس ها نیز به دلیل نزدیکی افغانستان با آلمان و عقد چند قرارداد تخیکی و تجارتي با آن کشور، از همکاری خود با افغانستان در جهت سرکوب کوچی های سلیمان خیل که دست به قیام علیه حکومت زده بودند، طفره رفت. در عین زمان حضور شخصی به نام سعد شامی در سرحد وزیرستان و تبلیغات او علیه خانواده شاهی افغانستان و تحریک قبایل وزیر و میسود علیه افغانستان، مشکلات جدی دیگری بودند که حکومت افغانستان را مجبور ساخت تا به نحوی در رفع کشیدگی با ایران رعایت خاطر نماید. از این معلوم میشود که شاید حکومت بدینوسیله میخواست با تأیید و تصویب آن قرارداد در مجلس وزراء مشکل را از شانه خود برداشته و به شانه شورای ملی بیندازد و آن شورا را تحریک به رد قرارداد کند تا ایران را سالها منتظر اجراء خود در صحنه گذاری بر قرارداد سازد و به این ترتیب وقت کمائی کند. (الغیب و عند الله)

### جواب قطعی رد قرارداد پس از شانزده سال در اوایل صدارت محمد داؤد:

هنگامیکه محمد داؤد در سنبله 1332 به حیث صدراعظم افغانستان شروع بکار کرد، یکی از اقدامات اولیه او پس از یک سال همانا ارسال نامه بود که به انتظار شانزده ساله ایران در مورد صحنه گذاری بر قرارداد تقسیم آب هلمند بین افغانستان و ایران منعقد مورخ 8 دلو 1318 پایان داد و به اصرار

همیشگی طرف ایرانی در زمینه قبولی آن قرارداد جواب صریح و قاطع داد. وزارت خارجه افغانستان طی یادداشت مورخه 18 اسد 1333 خود عنوانی سفارت ایران در کابل چنین نگاشت:

متن یادداشت: «وزارت امور خارجیه دولت شاهی افغانستان تعارفات خود به سفارت کبرای شاهنشاهی ایران تبلیغ و با نهایت احترام، در جواب یادداشت نمره 616 مورخه 16 مرداد [اسد] 1318 آن سفارت کبرای محترم مصدع میگردد که مضمون یادداشت مذکور آن سفارت کبرای بی اندازه مایهٔ تعجب وزارت امور خارجیه دولت پادشاهی افغانستان گردید، زیرا که یادداشت نمبر 1291 مورخه 3 سرطان 1318 وزارت امور خارجیه شاهی افغانستان در موضوع تردید اعلامیه قرارداد آب هیرمند از طرف مجلس شوری پرواضح و قاطع بود. هکذا عالیقدر جلالتمآب وزیر امور خارجیه افغانستان در ملاقات روز یکشنبه 16 سرطان خود با جناب سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران این حقیقت را به جناب آقای سفیر کبیر توضیح نموده و جواب تقاضای معزی الیه که بایست وسایلی اتخاذ فرموده تا اعلامیه به تصویب برسد، تصریح فرمودند که شدن همچو چیزی امکان ندارد.

اینک باز به تائید یادداشت نمره 1291 مورخه 3 سرطان 1318 وزارت امور خارجیه شاهی افغانستان زحمت افزا میشود که چون اعلامیهٔ قرارداد آب هلمند را مجلس شورا تصدیق نکرد، لذالک قبولیت آن از طرف حکومت شاهی افغانستان قطعاً موردی نداشته تعاطی قرارداد با اعلامیه مذکور یکجا صورت گرفته نمیتواند. اگر این تردید اعلامیه به روابط دوستانه و نیک دولتین به نظر اولیای امور شاهنشاهی تأثیرات نامطلوبی مینماید، حکومت شاهی افغانستان جز اظهار تأسف و تعجب چیز دیگری کرده نمیتواند، چونکه روابط یک جهتی و دوستی این دولت همجوار و دوست در نظر حکومت شاهی افغانستان مهمتر و محکمتر از آن بوده است که از همچو امری متأثر گردد. بالاحترام» (پایان متن یادداشت؛ برگرفته از رساله: "سوابق و اسناد موضوع آب از رود هلمند"، صفحه 18؛ همچنان قابل تذکر است که متن این نامه در مآخذ دیگر نیز درج میباشد، از جمله: سیستانی: کتاب "سرگذشت سیستان و رود هیرمند"، صفحه 219 و 220؛ وحید مزده: کتاب "روابط سیاسی ایران و افغانستان.."، صفحه 51 و 52)

(ادامه دارد)